



مجتبی ارشدیری

روزنامه‌نگار

نیمه نخست دهه ۸۰ شمسی، «ارشا اقدسی» بالاخره موفق شد پس از سال‌ها دوندگی، در رشته تربیت‌بدنی یکی از دانشگاه‌های ایتالیا پذیرش بگیرد. خوشحال از به‌نتیجه‌رسیدن این اتفاق بزرگ، ناگهان با «پیمان ابدی» آشنا میشود که به تازگی از آلمان به ایران آمده و درصدد تشکیل نخستین تیم مدون بدلکاری حرفه‌ای بود. ارشاد آن زمان ودرحالی که تنها ۲۴ سال داشت، یک‌تصمیم بزرگ گرفت وعطای تحصیل در ایتالیا را به تقایش بخشید و به‌عنوان یکی از ۱۵ عضو ثابت گروه «بدلکاران»، در کنار «پیمان ابدی» قرار گرفت. رخدادی که او در همان زمان و حتی سال‌ها بعد، به‌عنوان «یک تصمیم درست» تلقی کرد و هیچ‌گاه از انجام آن اظهار پشیمانی نکرد. پس از چندماه عضویت در گروه «بدلکاران»، ارشا تصمیم گرفت به شکلی مستقل، گروه حرفه‌ای خود را تأسیس کند. از همین رو در اواخر سال ۸۵، گروه خود را تحت‌عنوان «بدلکاران ۱۳» تشکیل داد. علت نام‌گذاری این عنوان، احتمالاً تاریخ تشکیل این گروه یعنی ۱۳ بهمن بود. شاید هم در پس‌زمینه، قصد درافتادن با عدد ۱۳ را داشت؛ مانند تاریخی که فوت کرد یعنی ۱۳ مرداد. با فوت ابدی، «ارشا اقدسی» در سایه طراحی‌های نوین خود ومهارت‌های فردی شاگردانش، محبوبیت بسیاری میان اهالی سینما و حتی مردم پیدا کرد. ارشافارغ از بدلکارانی که همواره مپره‌های گمنام و ناشناخته تیم تولید برای مردم بودند، با مردم ارتباط گرفت وتوانست نام و هنر خود را به مردم بشناساند. کم‌کم و در میانه‌های دهه ۹۰، دیگر کمتر کسی بود که نام «ارشا اقدسی» و هنروی به‌گوشش نخورده باشد. آن عده‌ای هم که علاقه‌چندانی به این قبیل کارهانداشتند، به‌واسطه فعالیت اقدسی در برنامه «عصر جدید»، با او و هنرش آشنا شدند. اقدسی البته محبوبیت و مقبولیت بسیاری در میان هنرمندان داشت. فارغ از انگیزه‌های بسیاری که برای بازیگری و کارگردانی از خود نشان داد، توانست یک رکورد خارق‌العاده از همکاری با کارگردانان شاخص سینما، تلویزیون، شبکه‌نمایش خانگی وحتی تئاتر به جای بگذارد. به‌عنوان مثال او در فیلم‌هایی چون به وقت شام، آرایش غلیظ، رگ خواب، رخ دیوانه، نگار، زندگی با چشمان بسته، جرم، متروپل، راه آبی ابریشم، خواب‌زده‌ها، حوض نقاشی، سیزده، شبی که ماه کامل شده، به خاطر پونه، پله آخر، کيفر، بارکد و عصر یخبندان و سریال‌هایی چون شیدایی، شهرزاد، اشک‌ها و لبخندها، سقوط آزاد، شوق پرواز، ساخت ایران، نشانی، بیمار استاندارد و آب‌پریا، مهارت‌های خود را در بدلکاری به‌تصویر کشاند. همچنان که در تئاتر هم در کارهایی چون آکواریم هوا، سومین شنبه هفته که به اشتباه به اون می‌گین دوشنبه، متولد سال ۱۳۶۱، ویتسک و… نیز همکاری داشت و کارنامه خود را تا ۳۹ سالگی، به یکی از پربارتترین کارنامه‌های یک بدلکار ایرانی تبدیل کرد.

البته که ارشا از معدود بدلکاران ایرانی بود که در پروژه‌های بین‌المللی نیز حضور داشت تا جایی که بعداز «پیمان ابدی» که پروژه‌هایی مانند «هشدار برای کبری ۱۱» را کار کرد، ارشا، برجسته‌ترین بدلکار ایرانی بود که این مسیر را ادامه داد و برنامه‌های بزرگی برای تقویت این روند داشت. مثلاً در فستیوال هوایی‌های سرستان حاضر شد وتوانست در حضور ۸۰ هزار تماشاگر حسایی درخشیده و لقب «شوالیه» را از رئیس جمهور سرستان دریافت کند.

همچنان که از فیلم‌های بارز بین‌المللی او نیز می‌توان به آثار مشهوری چون «اسکای فال» (سام مندس) در سال ۲۰۱۲ که بیست‌وسومین فیلم از سری فیلم‌های جیمزباند است، «مرگ روشنی» به کارگردانی «پل شریدر» در سال ۲۰۱۴ و «کوئگ‌فو یوگا» به کارگردانی «استلنی تانگ» در سال ۲۰۱۷ اشاره کرد.

البته ارشا ۳ سال پیش موفق شد تا مدرک آکادمیک بدلکاری بین‌المللی هالیوود را دریافت کند. این مدرک معادل مدرک دکتری برای تمام رشته‌هاست و آخرین مرحله و پله‌ای است که یک بدلکار می‌تواند طی کند و بالاتر از آن، دیگر مدرکی برای بدلکاری بین‌المللی وجود ندارد. او این مدرک را گرفت تا به‌مانند آرنولد شوارتزینگر، جکی چان و جی‌لتی، از معدود بدلکارانی باشد که موفق به دریافت این مدرک شاخص می‌شود.

چرا ارشا در بدلکاری، سرشناس شد؟

همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، بدلکاران به‌واسطه اینکه در پروژه‌ها دیده نشده و به‌عنوان بدل بازیگران حضور دارند، چندان برای مردم شناخته شده نیستند. مردم ما، سال‌ها پیش با «پیمان ابدی» آشنا شدند که این اتفاق هم به‌دلیل حضور ابدی در ایران و البته حضور او در فیلم «هشدار برای کبری ۱۱» که در میان ایرانیان، طرفداران بسیاری دارد، رقم خورد. موضوع معروفیت ومحسوبیت ارشا البته تفاوت‌های بسیاری با ابدی داشت.

ارشاد، در گفت‌وگوهایی، از «خندوانه» و «رامبد جوان» گفت که سهم بسیاری در شناخته شدن وی برای مردم داشتند. در ادامه، ارشا، با تکیه بر روابطعمومی بسیار خوب و البته علاقه‌ای که به بازیگری و کارگردانی داشت، توانست دایره مخاطبان خود را بیشتر کند. موفقیت‌های بین‌المللی ارشا و رسانه‌ای شدن اخبار این موفقیت‌ها که بیشتر مدیون خلاقیت‌های فردی وی بود نیز سبب شد تا این بدلکار و طراح صحنه‌های اکشن، به معروفیت بسیاری برسد. هرچند حضور او، در «عصر جدید» و دیگر برنامه‌ها به‌عنوان کارشناس ومیهمان، پایگاه‌های مردمی وی را محکم‌تر از هر بدلکار ایرانی دیگری کرد.

در همین زمینه با «محمد سلیمانی»؛ از برجسته‌ترین و بزرگ‌ترین رهبران تیم بدلکاری ایران گفت‌وگو کردیم. وی به «فرهیختگان» گفت: «این یک حقیقت است که تمامی بچه‌های بدلکار، به‌نوعی معلوم‌واقع می‌شوند. اما ارشا، توانست خودش و هنرش را به مردم بشناساند و به‌نوعی آگاهی مردم را از این حرفه، بالاتر ببرد. سلیمانی، فقدان ارشا را یک ضایع‌بزرگ برای بدلکاری ایران دانست و ادامه داد: «ارشا تلاش‌های بسیاری انجام داد تا کارهای بدلکاری در جشنواره دیده و قضاوت شود. تقریباً به‌صورت یکته وارد این مبارزه شد وتوانست موفقیت‌هایی را هم در این زمینه به‌دست آورد. حالا که او فوت کرده، مشخص نیست تکلیف این اتفاق چه خواهد شد. فارغ از این تلاش‌ها، او داشت کارهای خارق‌العاده‌ای در حوزه بدلکاری ایران و جهان انجام می‌داد که بسیاری از آنها هنوز

نقش اول

بدلکار قهار سینمایی و ده‌ها سوال بی‌جواب

در قاصه آخر



رسانه‌ای نشده است. به همین دلیل است که می‌گویم، فقدان او فارغ از مهارت‌ها و ابتکارهایی که داشت، به دلیل کارهایی که قرار بود در ایران و خارج از ایران پیش ببرد، بسیار به حرفه و صنف ما لطمه وارد کرد.»

«محسن روزبهانی» از برترین و باتجربه‌ترین هنرمندان حاضر در جلوه‌های ویژه میدانی کشور نیز در گفت‌وویی، به «فرهیختگان» گفت: «ارشاد، هنرمند بسیار خوبی بود. پرش‌های بسیار خوب و بلندی داشت که برای ما حیرت‌انگیز بود. جوان بود و کوهی از انگیزه که رفتنش خیلی حیف‌شد. او با خدمات‌تونی که در مجموع طراحی‌هایش انجام داد، می‌توانست جلوه‌های ویژه را به‌زعم خود، به جلو پیش ببرد. من همیشه موافق پیشرفت هستم و این پیشرفت حاصل نمی‌شود مگر با وجود نسل جوان مستعد که ارشا یکی از آن‌هاست.اد هایشش بود که متأسفانه این گونه از پیش ما رفت.» روزبهانی در پایان گفت: «به‌واسطه فاصله‌سه‌سنی که با هم داشتیم، یک جورهایی با من رودر بایستی داشت و بیشتر پسر مودبی بود.

من طبق همان رسم همیشگی که همواره به بچه‌ها می‌گویم از خودشان مراقبت کنند، به ارشا هم می‌گفتم که تا می‌تواند مراقب خودش باشد و با امنیت بیشتری کار کند. اما در بدلکاری، همواره خطر، یکی از مولفه‌های اصلی کار است همچنان که در آخرین جیمزباندی که ساخته شد، یکی از بدلکاران کار فوت کرد و این مهم، در تمام‌جای دنیا قابل مشاهده است.» البته که در ادامه صحبت‌ها می‌شود و نه برای آن ارزش قائل هستند. ارشا، حیرت‌انگیز ارشا، ذکر این خاطره نیز خالی از لطف نباشد که ارشا حدود ۱۰ سال پیش در یک پروژه متعلق به کشور ترکیه حضور داشت. در آن پروژه، انتشار عکس پرش ۲۵متری وحیرت‌آور از روی یک کامیون، سروصدای بسیاری در فضای مجازی آن‌سال‌ها به راه انداخت. تا جایی که «گری پاول» به‌عنوان طراح صحنه‌های جیمزباند، به وی ایمیل داد و از ارشا خواست تا در تست رانندگی جیمزباند شرکت کند. ارشا با موفقیت در این تست، جواز حضور در پروژه «اسکای فال» را پیدا کرد و دیگر موفقیت‌های بین‌المللی شاخص او از این نقطه آغاز شد.

به‌سراغ «ایمان کریمان» یکی از باتجربه‌ترین هنرمندان جلوه‌های ویژه میدانی رقتیم. کریمان به «فرهیختگان» گفت: «بدلکاری، جایگاه مقدس و بالایی دارد که مانند دیگر صنوف هنری، نه به آن احترام گذاشته می‌شود و نه برای آن ارزش قائل هستند. ارشا، شاگرد پیمان بود و زمانی که توانست با «بدلکاران ۱۳»، گروه مستقلی را تشکیل دهد، کارهای جدیدی در سینما انجام داد. در ادامه به‌واسطه روابطی که داشت، اتفاق‌های خوبی برایش رقم خورد و تمام اینها سبب شد که وی بیشتر به چشم آمد و شاید طبق باور عامیانه، چشم خورد.»

دارنده سیمرغ بلورین جشنواره سی‌وهفتم برای فیلم «ماجرای نیمروز: رد خون» در ادامه افزود: «تا آدم‌ها زنده هستند قدشان را نمی‌دانیم و وقتی می‌روند، عکس‌های دوفره را منتشر می‌کنیم. مثل الان که ارشا رفت و همه، تصاویرش را استوری می‌کنند. ۱۲ سال پیش پیمان رفت و حالا هم ارشا، مگر ما چند بدلکار حرفه‌ای

فرهنگ

درگذشت ارشا اقدسی

بدلکار قهار سینمایی و ده‌ها سوال بی‌جواب

مانند اینها داریم که مدام داریم از وجودشان بی‌بهره می‌شویم؟ آیا بعد از اتفاقی که حالا برای دومین بار افتاده، باید این روند را به همین ترتیب ادامه دهیم؟ ما باید به‌خودمان احترام بگذاریم. همان زمانی که برای «پیمان ابدی» افتاد، همان زمانی که برای «جواد شریفی‌راد» آن اتفاق افتاد باید به‌فکر می‌بودیم که بعدها اتفاقی از این دست برای «ارشاد» و دیگران رخ ندهد.»

آیا نبود تجهیزات، دلیل بروز سانحه

برای «پیمان ابدی» و «ارشا اقدسی» شد؟

یکی از سوالات بسیاری که طی این روزها برای بسیاری از ما مطرح شده این‌است که چرا «پیمان ابدی» و «ارشا اقدسی» با وجود مهارت بالایی که در کارهایشان داشتند، این چنین در حین انجام ماموریت، دچار سانحه شده‌واز دنیا رفتند. اینکه تا چه‌بخشی از این جریان را برای ما می‌آورد و ما باید آن ماشین را گاردکشی کنیم و به زور آن را راه بیندازیم و پس از آنکه چندین بار خراب شد بتوانیم آنچه مدنظر کارگردان وتییه‌کننده کار بوده را پاسخ دهیم. بنابراین بدلکاران ما باعشق فراوان وباهمین تجهیزاتتی که دارند، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کارهای ممکن انجام می‌دهند.»

ارشاد آدم‌های سهل‌انگاری نبودند و بنابراین می‌توان این‌طور اطمینان داد که این دو اتفاق مهیب، بطبی به خود بدلکار نداشته و در نتیجه حادثه‌ای غیرمترقبه به وقوع پیوسته است.» طراح بدلکاری سریال «عملیات ۱۲۵» در پاسخ به این پرسش که این دو اتفاق تا چه اندازه در نتیجه نبودتجهیزات کافی واستاندارد است، نیز گفت: «ما در تمام این سال‌ها، به اندازه‌ای که نیازمان بوده تجهیزات داشته‌ایم و نیازمان بیشتر از آنچه تاکنون انجام داده‌ایم، نبوده و به همین توانستم بدلکاری را به جایی که امروز هستیم، برسانیم. در نتیجه تمام کارها وتقاضایی که از سوی فیلم وسریال‌ها بوده را پاسخ داده‌ایم ومشکل‌کن در این زمینه نداشته‌ایم. من از همین جا اعلام می‌کنم که بدلکاران ایرانی، باوجودترین و شجاع‌ترین بدلکاران در سراسر جهان هستند اما باید به این نکته هم توجه داشت که نباید همه چیز را از چشم بدلکار دید. مثلا برای انجام کاری، می‌روند و از آن‌ترین وداعان‌ترین ماشین را برای ما می‌آورد و ما باید آن ماشین را گاردکشی کنیم و به زور آن را راه بیندازیم و پس از آنکه چندین بار خراب شد بتوانیم آنچه مدنظر کارگردان وتییه‌کننده کار بوده را پاسخ دهیم. بنابراین بدلکاران ما باعشق فراوان وباهمین تجهیزاتتی که دارند، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کارهای ممکن انجام می‌دهند.»

ارشاد آدم‌های سهل‌انگاری نبودند و بنابراین می‌توان این‌طور اطمینان داد که این دو اتفاق مهیب، بطبی به خود بدلکار نداشته و در نتیجه حادثه‌ای غیرمترقبه به وقوع پیوسته است.» طراح بدلکاری سریال «عملیات ۱۲۵» در پاسخ به این پرسش که این دو اتفاق تا چه اندازه در نتیجه نبودتجهیزات کافی واستاندارد است، نیز گفت: «ما در تمام این سال‌ها، به اندازه‌ای که نیازمان بوده تجهیزات داشته‌ایم و نیازمان بیشتر از آنچه تاکنون انجام داده‌ایم، نبوده و به همین توانستم بدلکاری را به جایی که امروز هستیم، برسانیم. در نتیجه تمام کارها وتقاضایی که از سوی فیلم وسریال‌ها بوده را پاسخ داده‌ایم ومشکل‌کن در این زمینه نداشته‌ایم. من از همین جا اعلام می‌کنم که بدلکاران ایرانی، باوجودترین و شجاع‌ترین بدلکاران در سراسر جهان هستند اما باید به این نکته هم توجه داشت که نباید همه چیز را از چشم بدلکار دید. مثلا برای انجام کاری، می‌روند و از آن‌ترین وداعان‌ترین ماشین را برای ما می‌آورد و ما باید آن ماشین را گاردکشی کنیم و به زور آن را راه بیندازیم و پس از آنکه چندین بار خراب شد بتوانیم آنچه مدنظر کارگردان وتییه‌کننده کار بوده را پاسخ دهیم. بنابراین بدلکاران ما باعشق فراوان وباهمین تجهیزاتتی که دارند، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کارهای ممکن انجام می‌دهند.»

در همین زمینه، «ایمان کریمان»، نظرمفتاوی داشته و این اتفاق‌ها را تا حدودی ناشی از کمبود تجهیزات عنوان می‌کند. کریمان به «فرهیختگان» گفت: «بایدبینیم سیستم بدلکاری ما با چه ابزارهایی تجهیز شده است. ارشاد آدمی بود که وسایل کارش را خودش تهیه می‌کرد و با هزینه‌های بالایی به ایران می‌آورد. یادم هست یک‌بار تجهیزاتش را به سرتقت بردند و او مجبور شد با هزینه بالایی، دوباره آن وسایل را تهیه کند. تمام این اتفاق‌های ناگوار در حوزه بدلکاری وجلوه‌های ویژه میدانی به‌دلیل عدمتجهیزات مطلوب واستاندارد است. ما از نظر تکنیک و علم از دنیا عقب نیستیم اما از نظر تجهیزات حرفه‌ای، از دنیا عقبیم. وقتی هم که برای انجام کاری تجهیزات کافی وجود نداشته باشد، باید به خلاقیت فردی وی بیاوری. چیزی که در وجود ارشاد بود. ارشا خیلی جنگجید و مقاومت کرد تا بتواند به لحاظ ابزارها و علم این حرفه، بدلکاری ما را به این‌شاخه از رشد برساند.» طراح جلوه‌های ویژه میدانی «تیکرتاندا»، «یدو» و «به‌عامل دیگری در زمینه بروز این اتفاق‌های ناگوار پرداخت و ادامه داد: «در این زمینه، کمبود تجهیزات، بخشی از این اتفاق است. وقتی شما وسیله‌ای را می‌آوری، باید علم استفاده از آن را هم بیاوری. الان اکثر بدلکاران، در قالب تیم کاری می‌کند و تقریباً کسی به‌صورت انفرادی کار نمی‌کند. باید برای تیم‌ها دوره‌هایی گذاشته شود چون ما بسیاری از کارها را سر صحنه تجربه می‌کنیم. حال آنکه ما چنین رخدادی را در کجای جهان مشاهده می‌کنیم؟! شما وقتی به کاری دعوت می‌شوی، باید امکان تجربه آن کار را داشته باشی. حالا با علم به این مهم، قرار است پس از درگذشت ارشا، چه قدم‌هایی در این حوزه برداشته شود؟ وقتی یک بدلکار می‌داند که فلان تجربه تازه، صد درصد خطرناک است وتجهیزات موردنظر هم فراهم نیست، چرا باید دست به انجام آن کار بزند؟ من بارها دیده‌ام که ۱۰ تا کازتون می‌چینند وسپس به

بدلکاری می‌گویند از یک ارتفاعی بپر پایین. کلی اعتراض کرده‌ام که این دیگر چه مدلش است اما متأسفانه گوش شنوایی وجود ندارد. ارشا خیلی حیف شد، او یک بدلکار خیلی حرفه‌ای بود.»

آیا آخر وعاقبت بدلکاری، مرگ در هنگام کار است؟

همان زمان که «پیمان ابدی» بر اثر سانحه‌ای حین انجام پروژه به دیار باقی شتافت و چه امروز که «ارشا اقدسی» بر سر فیلمبرداری درگذشته است، برخی زمزمه‌های مردم بر این اصل تکیه دارد که آخر وعاقبت کارهایی از این دست، مرگ است و به اصطلاح بدلکاران، ناگزیر از پذیرش این واقعیت هستند که پایان کارشان با مرگ رقم خواهد خورد.

این پرسش پرکاربرد این روزها که کم‌کم دارد به یک باور عمومی تبدیل می‌شود را از متخصصان این حوزه پرسیده‌ایم. «محمد سلیمانی» یکی از بدلکاران شناخته‌شده که در فصل دوم «شهرزاد» حضور داشته به «فرهیختگان» می‌گوید: «قطعا این ادعا درست نیست. گرچه این اتفاق نمی‌تواند برای پیمان وارشا، در نتیجه عدم تجربه کافی روی داده باشد اما این گزاره هم درست نیست که آخر وعاقبت این قبیل کارها مرگ است. خود ارشا همیشه می‌گفت هر کسی که وارد این حوزه می‌شود ابتدا باید ۲ سال دوره آموزشی بگذرانند تا بتوانند وارد کار شود. من هم اکنون حدود ۱۸ سال در این حوزه هستم و کلی کارهای خطرناک انجام داده‌ام و هیچ اتفاقی هم برای من و دیگر بچه‌ها رخ نداده است.»

بدلکار «خفه‌گی» ادامه می‌دهد: «شاید بسیاری از مردم، با این حقیقت آشنا نباشند که بدلکاری، تنها یک کار نیست و ترکیبی از ۱۴-۱۳ رشته ورزشی است. کما اینکه ارشا هم در چندین رشته رزمی و ورزشی، مهارت‌های بالایی داشت. یک بدلکار کارهای متفاوتی انجام می‌دهد مانند چپ کردن ماشین، افتادن از ارتفاع، عبور از شیشه، آتش گرفتن و… که در هر یک از این کارها، تخصص ومهارت‌های مربوط به چند ورزش نیاز است که اگر بدلکار در آن شاخه‌های ورزشی و رزمی تبحر نداشته باشد، نمی‌تواند وارد این حوزه شود. بنابراین نه منطقی است و نه عاقلانه که بپذیریم کسی بدون مهارت در این شاخه‌ها وارد این عرصه شود و به موفقیت دست بیابد. کسی هم که مهارت دارد، تمام ابعاد کارش را زیر نظر می‌گیرد بنابراین نمی‌شود پذیرفت که آخر وعاقبت این کار با مرگ رقم خواهد خورد.»

«علیرضا فتحی» که در حال حاضر مدیریت تیم بدلکاری خیبر؛ یکی از بهترین، قدیمی‌ترین ومعروف‌ترین تیم‌های بدلکاری کشور را برعهده دارد، در این ارتباط به «فرهیختگان» گفت: «اتفاقا من هم در تمامی این سال‌ها با این سوال مردم مواجه می‌شوم و بارها گفته‌ام که عاقبت راه رفتن در خیابان هم می‌تواند به مرگ ختم شود. نمی‌شود گفت که چون یک نفر کارش رانندگی است بالاخره یک روز اتفاقی برایش می‌افتد واز دنیا می‌رود. هم پیمان وهم ارشا، سال‌های سال در این حوزه‌ها کار کرده‌اند اما این اتفاق ناگوار تنها یک‌بار برای آنها رقم خورد. همچنان که برای بدلکاران هالیوودی وبالیوودی هم رقم می‌خورد. اتفاقا عاقبت این کار، خوشبختی است چون کسی که وارد این حوزه می‌شود، با چشم‌باز به این کار روی می‌آورد و می‌داند که این حرفه، خطرات خاص خودش را دارد. من از سال ۶۲ در این حوزه فعالیت مستمر داشته‌ام و خدا را شکر اتفاقی هم برایش رخ نداده است. برای دیگر بچه‌ها هم به همین ترتیب، باید دوام آورد چون هم تمرینات سخت است وهم اجراها تفریحی نیست، فقط باید عاشق باشی.»

بدلکارانی که به دلیل حضور در پروژه‌های درگذشتند

زمانی که سینمای ایران، «پیمان ابدی» را در سال ۸۸ از دست داد، همه می‌دانستند که وی آخرین مرحوم حوزه بدلکاری نخواهد بود. همچنان که امروز می‌دانیم، ارشا، آخرین آنها نخواهد بود. اتفاقی که چه بخواهیم آن را به عدم تجربه کافی ربط دهیم و چه به نبودتجهیزات کافی وعوامل دیگری چون اتفاق وبدنشاسی و… حالا دیگر بخشی از احتمال‌های بدلکاری در جهان تثبیت شده است. سالانه مواردی از فوت بدلکاران در سراسر جهان به گوش می‌رسد. به‌طوری که حداقل ۱۵ مورد از موارد فوت بدلکاران بر سر پروژه‌هایشان، رسانه‌ای شده و به اطلاع مردم رسیده است.

به‌عنوان مثال «آرت شول» ۳۶ سال پیش سر صحنه «تاپ گان» به اقیانوس آرام سقوط کرد و درگذشت و هنوز هم لاشه او پیدا نشده است.

«پائولو ریگون» برای بدلکاری در «فقط برای چشمان تو» در ۲۳

سالگی از دنیا رفت.

«جوزف اسوج» ۲۸ سال پیش برای بدلکاری در «مردان واقعی» جانش را از دست داد.

«کریس لمن» ۲۱ سال پیش برای بدلکاری در «رخ‌های کهنه» درگذشت.

«خوزه مارکو» هم برای بدلکاری در فیلم «کوسه»، ۵۲ سال پیش کشته‌شد.

«کن لو» درحالی که تنها ۲۵ سال داشت، برای بدلکاری در قسمت دوم «یک‌بار مصرف‌ها» فوت کرد.

«سونیادوبوس» برای بدلکاری «خون آشام‌در بر وکلین» دچار سانحه شد و درگذشت.

«جیم شوره»، ۴۲ سال پیش برای بازی در وسترن «سوار کاری می‌آید از دنیا رفت.

«بنی دوبینس» ۳۳ سال پیش برای بدلکاری «داغ سرخ» دچار سانحه شد و دارفانی را وداع گفت.

ای‌جی پاکوناس هم در ۲۷ سالگی و برای بدلکاری در فیلم «استیل»، پس از پرش از یک آسمان خراش درگذشت.

«جان برنکر» هم چند سال پیش برای بدلکاری برای پروژه معروف «مردگان متحرک» از بلندی سقوط کرد و از دنیا رفت.

«دار رابینستون» برای حضور در «راز میلیون دلاری» درگذشت.

مرگ «هری اوکانر»، ۴۵ ساله در پروژه «استندروم ایکس» (راب کوهن) سرصدهای بسیاری را به وجود آورد.

۶ سال پیش، «آن پرووین» برای بدلکاری در فیلم «ساخت آمریکا» از دنیا رفت.

۴ سال پیش هم «جویی هریس» در نخستین تجربه بدلکاری اش برای فیلم «ددپول ۲» فوت کرد.